

گیلان امروز	
روز‌نامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی گیلان	
<div>صاحب امتیاز و مدیر مسوول: محمد کاظم شکوهی راد</div>	
<div>رشت – خیابان آیت ا... احسان بخش (صیقلان – تختی) ساختمان توسکا</div>	
<div>طبقه ۳ کدپستی:۴۱۷۳۲۳۸۰۳۳</div>	
<div>تلفن: ۳۲۲۶۸۱۱۲ – ۳۲۲۶۸۱۱۵</div>	<div>فکس: ۳۲۲۶۸۱۱۴</div>
<div>لینوگرافی و چاپ: شرکت چاپ و نشر نوین</div>	<div>تلفن:۰۷۶-۳۲۲۳۰۴۷۲۷-۳۳۲۲۴</div>
<div>http://gilan-today.com</div>	
<div>پست الکترونیک:gilantoday@gmail.com</div>	

سه شنبه ۵ اسفند ۱۳۹۹ | ۱۱ رجب ۱۴۴۲ | ۲۳ فوریه ۲۰۲۱



گیلان امروز – ابرموفق‌های جوان هم ما را شیفته می‌کنند و هم آشفته. این رابطه عشق-نفرت چیزهایی درباره فرهنگ و خودمان به ما می‌گوید. وقتی ماآندا گورمن شعرش را در مراسم تحلیف جو باین، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده اجرا کرد، شور و هیجان رسانه‌ای را برانگیخت. بخشی از این شور و هیجان به علت اثر قدرتمند و کوبنده او بود، اما یک عامل دیگر نیز نقش داشت و آن سن این شاعر بود.

به گزارش فرادید به نقل از بی‌بی‌سی ورلد، گورمن بعد از آنکه در سن ۱۹سالگی جوان‌ترین شاعر فرهیخته ملی در آمریکا شده بود، در سن ۲۲سالگی نیز موفق شد لقب جوان‌ترین شاعر مراسم تحلیف آمریکا را

از آن خود کند. اجرای تحسین‌برانگیز او به شکل‌گیری میم‌های مجازی، عقد چند قرارداد با ناشرین برای انتشار کتاب‌هایش و همینطور عقد قرارداد با شرکت مدیریت استعداد IMG MODELS انجامید.

گورمن در دسته ابرموفق‌های جوانی مانند بازیکن سوئدی شطرنج، ماگنوس کارلسن که در سن ۱۳ سالگی استادبزرگ شطرنج شد؛ بازیکن فوتبال آرژانتینی، لیونل مسی که در سن ۱۷ سالگی به تیم طرفداران بارسلونا پیوست و فعال آموزشی پاکستانی، ماله یوسفزی که در سن ۱۷ سالگی جوان‌ترین دریافت‌کننده جایزه صلح نوبل شد، قرار می‌گیرد.

در کتاب‌های تاریخ ثبت خواهد شد که آن‌ها آدم‌های بااستعدادی بودند که در سنین بسیار کم به این موفقیت‌های بزرگ دست پیدا کردند. دراین‌میان فرهنگ غربی فقط از معروف‌ترین شگفتی‌سازان خود بت نمی‌سازد. ما از طریق جوایز رسانه‌ای مانند

فهرست افراد زیر ۳۰سال فوربز، جایزه زنان سال گلامور و جایزه اخیر کودک سال مجله تایم، موفقیت‌های جوان در سراسر جهان را ستایش می‌کنیم. این فهرست‌ها موفقیت‌های اثرگذار جوانان در عرصه‌های علم، تجارت و هنر را برجسته می‌کنند. بعضی از این موفقیت‌ها دامنه گسترده‌ای دارند. واضح است که موفقیت در سنین جوانی ما را شگفت‌زده می‌کند. درحقیقت، در نظر ما موفقیت‌هایی که در سنین پایین کسب می‌شود با موفقیت‌هایی که افراد در سنین بالاتر کسب می‌کنند، تفاوت دارد و آن هم به دلیل ادراک ما از استعداد ذاتی و کلیشه‌های مرتبط با سن و گزارش‌های مبالغه‌آمیز رسانه‌ای است. باین‌حال، موفقیت‌های جوانی نه تنها برای ما شگفتی‌آور هستند بلکه احساس حسادت یا مقایسه منفی را در ما برمی‌انگیزند. اگر علت واکنش‌های خود به این استعدادهای درخشان را بدانیم، بهتر می‌توانیم تعصب‌های خودمان را کنار بگذاریم و از الهامات این جوانان قدردانی کنیم.

نبوغ بی‌زحمت به دست می‌آید

دلایل زیادی از قبیل نگرش‌ها نسبت به خدادادی بودن استعدادها؛ هنجارهای اجتماعی درباره نقطه عطف‌های زندگی و تغییر مداوم انتظارات فرهنگی وجود دارند که باعث می‌شوند ما تمایل داشته باشیم موفقیت‌هایی که در جوانی به دست می‌آید را به شکل متفاوتی ستایش کنیم. یک عامل کلیدی مهم این تصور غلط است که استعداد ذاتی است نه حاصل سال‌ها تلاش و زحمت. روان‌شناس، تانجا گابریل بادسون، که درباره نبوغ، کلیشه‌ها و شکل‌گیری هویت در آلمان تحقیق کرده است، می‌گوید: «یک اندیشه وجود دارد که می‌گوید نبوغ باید بی‌زحمت حاصل شود و سخت کار کردن ابرای رسیدن به موفقیت از ارزشمندی یا شگفت‌انگیزی [موفقیت] می‌کاهد.» مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۴ توسط دانش‌جویان سوئدی و بریتانیایی انجام شد، نشان داد که جوامع غربی موفقیت‌هایی که بدون تلاش و زحمت به دست می‌آید را اغلب معادل «صالت» یا «هوش» در نظر می‌گیرند؛ درحالیکه سخت کار کردن معادل چیزی «کسالت‌آور» یا ناشنای از فقدان هوش دانسته می‌شود.

وقتی شخصی در عنفوان جوانی به موفقیتی دست پیدا می‌کند ما موفقیت او را ناشی از استعداد و ذوق ذاتی او می‌دانیم، زیرا استدلال می‌کنیم که او فرصت زیادی نداشته است. این‌درحالیست که همه آن‌ها برای رسیدن به موفقیت تلاش کرده‌اند. برای مثال گورمن از اختلال شنوایی و گفتار در زمان کودکی رنج می‌برده و برای موفقیت باید بر این اختلال فائق می‌آمده؛ کارلسن شطرنج را در سن ۵سالگی شروع کرده و مسی در سن ۴سالگی پا به توپ شده است. موفقیت‌های آن‌ها فقط نتیجه استعدادهای طبیعی نیستند؛ بلکه نتیجه سال‌ها تمرین هستند. بادسون تأکید می‌کند:

«موفقیت‌های چشمگیر در هر زمینه‌ای هم به تلاش و کار سخت و هم به توانایی ذاتی بستگی دارند.»

درواق ستاره شدن در دوران جوانی ادراک ما نسبت به مسیر سنتی زندگی را درهم‌می‌ریزد و یکی از عواملی که باعث می‌شود ما فکر کنیم کسب موفقیت در دوران جوانی به تلاش بستگی ندارد، همین ادراک است. هانا سوئیفت، استاد روان‌شناسی اجتماعی و سازمانی در دانشگاه کنت که درباره سن، برابری و محیط‌های کاری تحقیق می‌کند، می‌گوید: «ما تمایل داریم که برای جریان زندگی و مشاغل مراحلی را قائل شویم که هر کدام از این مراحل مجموعه‌ای از هنجارها و نقاط عطف خودشان را دارند. وقتی که



یکی از این نقاط عطف قبل از زمانی که هنجارهای اجتماعی به ما دیکته می‌کنند، محقق می‌شود، به نظرمان می‌آید که اتفاقی خارق‌العاده رخ داده است.»

وقتی موفقیت‌ها در یک زمینه خاص در سنین بسیار کم حاصل می‌شوند این استدلال بسیار صدق می‌کند. جاناتان پلاکر، استاد روان‌شناسی آموزشی و پرورش استعداد در دانشگاه جان هاپکینز و رئیس انجمن ملی آمریکا در امور کودکان مستعد، می‌گوید: «ما به اصطلاح شرطی شده‌ایم تا دیدن شاعران و ریاضی‌دان‌ها در سنین جوانی برایمان عادی باشد، درحالیکه معمولا چشممان به دیدن رمان‌نویس‌ها، فلاسفه و دانشمندان مسن عادت کرده است. ورزشکاران هم مثال‌های مشابهی دارند، در برخی از رشته‌های ورزشی فوق‌ستاره‌ها در سنین نوجوانی به موفقیت می‌رسند، درحالیکه در رشته‌های دیگر این یک پدیده استثنائی محسوب می‌شود.»

در جامعه امروز دست‌یافتن یک ابرموفق جوان به درجات عالی رویدادی با ارزش خبری محسوب می‌شود. سوئیف می‌گوید: «علتش آن است که پلتفرم‌های رسانه‌ای جوان‌محور هستند، دستاوردهای جوانان را می‌توان پیش‌برد و جشن گرفت. این به چرخه‌ای دامن می‌زند که تحت آن موفقیت‌های افراد جوان‌تر کمتر بازنمایی می‌شود.»

اما این چرخه، چرخه جدیدی است. ماری جو ماینس، استاد تاریخ در دانشگاه مینه‌سوتا، می‌گوید: «بسیاری از جوامع تاریخی خدمات و کارهای افراد جوان را بدیهی می‌انگاشتند. از کودکان و نوجوانان – هم در جوامع کشاورزی و هم در جوامع کارگری – انتظار می‌رفت که گستره‌ای از فعالیت‌هایی که ما امروزه به عنوان فعالیت‌های فرد بزرگسال می‌شناسیم، را انجام دهند. این افراد جوان، برای جامعه‌شان ارزشمند بودند، اما هرگز به خاطر کاری که جامعه انتظار داشت که آن‌ها انجام دهند، شاخص یا نمونه نمی‌شدند.» اما با تکامل جوامع غربی ایده‌هایی که می‌گفتند ایده تمرکز کودکان بروی کار و مسئولیت به سمت تمرکز روی مدرسه و بازی تغییر جهت داد. ماینس می‌گوید: «ادراک جامعه مدرن غربی از دوران کودکی و رشد، به نحوی است که در آن جوانان آنقدر کودک شمرده می‌شوند که جامعه انتظارات بسیار پایینی از آن‌ها دارد. ما به این دلیل از موفقیت‌های جوانان شگفت‌زده می‌شویم که انتظارات بسیار پایینی از آن‌ها داریم.» و در جهانی مملو از عناوین خبری منفی، برخی اوقات دیدن و شنیدن شجاعت، زیبایی و شگفتی‌آفرینی یک جوان همان خبر خوشی است که همه به آن نیاز داریم. یافته‌های مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۶ انجام شد نشان داد گزارش‌های مثبت خبری – شامل آن‌هایی که درباره فائق آمدن افراد بر سختی‌ها و رشد، و رسیدن به موفقیت است– خوانندگان را خوشحال‌تر

نحوه بر خورد با کودکی که فحش می دهد

اما درصورتی‌که والدین نسبت به استفاده از کلمات زشت فرزندان خود حساس شده و آن‌ها را تهدید و یا تنبیه کنند، کودک از این موضوع سواستفاده کرده و به‌ویژه در مکان‌هایی که والدین می‌خواهند کودکانشان حفظ آبرو کند، این کلمات را به کار خواهند برد. باید پذیرفت کودکان زیر شش سال این کلمات زشت را خلق نکرده و حتی در بسیاری از موارد مفهوم این کلمات را نمی‌دانند بنابراین عکس‌العمل والدین می‌تواند منجر به ماندگاری و یا کم‌رنگ شدن این کلمات در ذهن کودک شود.

اما در مورد کودک بالای شش سال باید گفت این کودکان مفهوم کلمات زشت را می‌دانند بنابراین باید والدین علاوه بر تغییر در الگوی رفتاری خود با فرزندان خود صحبت کنند و مفهوم کلمات را برای آن‌ها توضیح دهند. در این شرایط اقوام درجه‌یک و والدین باید هماهنگ با هم برخورد مناسبی نشان دهند یعنی روشی مشابه والدین را انتخاب کنند. باید به کودک فهماند که این الفاظ نامناسب است و نباید از آن‌ها استفاده کند. اگر با وجود تذکرات رفتار تکرار شد باید از روش‌های تنبیهی استفاده کرد.

منظور از تنبیه نیز محرومیت است؛ مثلا والدین وقتی کودک حرفی نامناسب زد، به ازای هر سال سن کودک یک دقیقه‌ها او را به اتاق دیگری بفرستند و نیم ساعت بعد از پایان محرومیت به او بی‌توجهی کنند و نارضایتی خود را اعلام کنند یا اسباب‌بازی موردعلاقه‌اش را برای چند

چرا ابر موفق‌های جوان در ما حس عشق – نفرت ایجاد می‌کنند؟

می‌کند تا شنیدن اخبار منفی. پلاکر می‌گوید: «این در ذات انسان است که مثال‌هایی از موفقیت‌های خارق‌العاده که خیلی زود – یا خیلی دیر – در زندگی اشخاص رخ می‌دهند، شگفت‌دهاش می‌کنند.»

بعد تاریخ موفقیت‌های جوانی

پیروزی‌های جوانان همانقدر که احساس نیابتی پیروزی در مخاطبان ایجاد می‌کند، به انتقادها نیز دامن می‌زند. پلاکر می‌گوید: «فکر می‌کنم بسیاری از افراد با موفقیت‌های زودهنگام رابطه عشق-نفرت دارند. در بسیاری از جوامع غربی، ما عاشق این هستیم که افراد را به دلیل موفقیت‌هایشان تحسین کنیم، اما شاید به همان اندازه دوست داریم آن‌ها را پایین بکشیم.»

وقتی تایگر وودز ۲۱ ساله در سال ۱۹۹۷ در مسابقات مسترز ایالات متحده آمریکا به پیروزی رسید، به دلیل اینکه جوانترین آمریکایی و اولین آمریکایی آفریقایی‌تبار بود که موفقیت در دوران جوانی آفریقایی‌تبار بود که موفقیت در سنین بالاتری کسب کند. اما وقتی در سال ۲۰۰۹ اخباری درباره خیانت‌های زناشویی او به بیرون درز کرد، وودز که در آن زمان ۳۳ سال داشت مورد شدیدترین انتقادها قرار گرفت و عنوان روزنامه‌ها از پرداختن به موفقیت‌ها به پرداختن به انتخاب‌های نامناسب او در زندگی شخصی، تغییر جهت داد.

اما فقط رسوایی‌های اخلاقی نیستند که باعث می‌شوند جوانان موفق ناگهان ناپدید شوند. جنیفر کاپراتی در سن ۱۴ سالگی، جوان‌ترین زنی بود که در مسابقات تنیس وییمبلدون برنده شد و در سن ۱۶ سالگی توانست مدال طلای المپیک را به دست آورد. اما در دهه‌های بعدی دستیابی به موفقیت برایش سخت شد. او به مراحل توانست در مسابقات گرند اسلم برنده

شود و در پایان سال‌های ورزشی‌اش نیز توانست جایگاه رفیعی در تبه‌بندی بازیکنان تنیس در جهان پیدا کند؛ باین‌حال بسیاری از روایت‌های رسانه‌ای به این موضوع می‌پرداختند که او نتوانست قوی که در جوانی داده بود را محقق کند.

شادنفروید

تماشای سقوط نوابغ جوان از نردبان‌های بلند ترقی باعث ایجاد احساسی در تماشاچیان می‌شود که در زبان آلمانی به آن «شادنفروید» گفته می‌شود. شادنفروید خوشحال شدن از مشاهده شکست دیگران است. پلاکر می‌گوید: «ما عاشق این هستیم که موفقیت جوانان را ببینیم، اما در پس‌زمینه این احساس خوب احساس حسادت هم وجود دارد.»

او می‌گوید فراتر از حسادت، احساسات منفی نسبت به یک فرد موفق ممکن است ناشی از این احساس باشد که موفقیت‌های خود شما در مقایسه با موفقیت‌های آن فرد مورد توجه و تحسین قرار نگرفته است.

بادسون می‌گوید: «احساس رضایت از شکست جوانان مستعد با همان ادراک غلط که آن‌ها به قدر کافی برای موفقیت خود تلاش نکرده‌اند ارتباط مستقیم دارد. بر اساس چنین منطقی، سقوط آن‌ها اچوانان موفق آدر واقع تعادل و «باور به یک جهان عادل و شایسته‌سالار که در آن افراد همان چیزی را به دست می‌آورند که لایقش هستند را احیا می‌کند.»

اما موفقیت بازی یا همه یا هیچ نیست و عوامل بسیار زیادی، فراتر از توانایی‌های ذاتی و کار سخت، مانند ویژگی‌های شخصیتی، محیط و حمایت سیستم هستند که به موفقیت یک فرد کمک می‌کنند. هر فردی در هر مرحله از سن، زندگی و سطح مهارت با چالش‌هایی متفاوت با دیگران مواجه می‌شود و موفقیت‌هایی که در هر کدام از این دوران‌ها به دست می‌آورد نیز با موفقیت‌های دیگران متفاوت است.

بادسون می‌گوید: «تعریف شما از موفقیت نباید متکی به تعاریف دیگران از موفقیت باشد. با شکست دیگران ما موفق‌تر نمی‌شویم و اگر دیگران موفق شوند ما وضعیت‌مان وخیم‌تر نمی‌شود. مقایسه خودتان با اعجوبه‌ها به شما کمکی نمی‌کند.» منطقی‌تر آن است که محدودهای مشخص از آنچه می‌خواهید به آن برسید را تعیین کنید و بعد روی پیشرفت شخصی‌تان متمرکز شوید.» در ضمن، وقتی استعدادهای جوان پا به عرصه می‌گذارند به جای آنکه آن‌ها را در چارچوب استانداردهای ناممکن نگه داریم یا خودمان را با آن‌ها قضاوت کنیم و فکر کنیم ما به اندازه آن‌ها استثنائی نیستیم، می‌توانیم آن‌ها را به مثابه اخبار مثبتی که احساس مثبت ایجاد می‌کنند در نظر بگیریم. ستاره‌های جوان تا زمانیکه می‌درخشند می‌توانند جهان ما را روشن کنند و منبع الهام باشند.

امروز و هر روز با گیلان امروز

۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۵ ۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۳

Gilan-today.com

همکاران گیلان امروز :

وحید اسماعیلی (مسئول تحریریه)، حسین عنبری، سعید سیمیاری، علیرضا خانی، احمد خدمتگزار

نسرین شکوهی راد، وحیده اسماعیلی، شهلا ابراهیم زاده، فرشته فتوحی، سمیرا بشارت

شهر ستانها : باشار مقدم، یدالله کشاورز و محبوبه شالی

کشکول

هر چیزی که باید درباره استون هنج بدانید



گیلان امروز– استون هنج در دشت‌های سالزبری که در جنوب انگلیس واقع شده، ساخته شده است. این بنا نه تنها یکی نمادین‌ترین بناهای انگلیس، بلکه یکی از نمادین‌ترین بناهای جهان نیز به شمار می‌رود؛ به طوری‌که هر ساله فقط یک میلیون گردشگر از سراسر جهان را به خود جذب می‌کند که این تعداد رو به افزایش نیز هست.

همانطور که در عکس استون هنج می‌بینید، این بنا از چندین سنگ عظیم ساخته شده و باید به این موضوع فکر کرد که چگونه تمدنی که مدرن نبوده و هیچ وسیله پیشرفته‌ای نداشته (شاید حتی چرخ) چگونه این بنا را ساخته و چرا ساخته؟ در طول سال‌ها و قرن‌ها، تئوری‌های مختلفی درباره اینکه چرا این اثر ساخته شده مطرح شده است. یکی از این تئوری‌ها مربوط به جفری مانموث است که در سال ۱۱۳۶ اظهار داشته که این سنگ‌ها به منظور یادبودی برای رهبران بزرگ انگلیس است که توسط دشمنان ساکسون‌ها به قتل رسیدند.

اولین مطالعه دقیق بر روی این سنگ‌ها در سال ۱۶۲۰ و توسط اینیگو جونز صورت گرفت و به این نتیجه رسید که ساخت این سنگ‌ها به دست بریتانیایی‌ها نبوده و احتمالا این مکان را بنا گذاشتند و آن را معبدی برای آپولو اختصاص دادند. تئوری دیگری هم از ویلیام استوکلی وجود دارد که در سال ۱۷۴۰ آن را منتشر کرد. او اعتقاد داشت که این دایره سنگها، توسط روحانیون سلطیک و قبل از روم و برای کسانی که خورشید را پرستش می‌کردند ساخته شد. این طبق ادعاهای استوکلی متعلق به فنیقی‌ها بوده در زمان قبل از حضرت ابراهیم از دریای مدیترانه به انگلیس سفر کرده بودند.

جرالد هاوکینز هم در دهه ۱۹۶۰ و در کتاب رمزگشایی استون هنج که خودش نوشته بود، نوشت که این بنا برای پیش بینی دقیق وقایع تاریخی بزرگ درست شده است. البته اکثر تئوری‌های هاوکینز که درباره استون هنج به عنوان رصد خانه بود، رد شده است و برای همین نمی‌توان به این تئوری او هم دل خوش کرد.

اولین تلاش‌ها برای اینکه متوجه قدمت این سازه شوند، برمی‌گردد به دهه ۱۶۲۰ که طی دستور دوک باکینگهام انجام شد. طبق دستور او، حفاری در این منطقه انجام شد. در این حفاری‌ها دو گودال کشف شد که در این گودال‌ها شاخ گاو و زره‌های خورد شده یافت شد.

در سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۶ حفاری‌ها در قسمت جنوبی سایت در حال پیگیری بود. یک کارزار دیگر حفاری در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۴ انجام شد که علاوه بر حفاری، قصد ترمیم بنا و احیای مجدد سنگ‌ها را هم داشتند. در سال ۲۰۰۸ هم دو کاوش باستانی کوچکتر، ولی هدمفندتر در داخل دایره صورت گرفت. تحقیق اول برای بررسی تاریخ، ماهیت و بررسی سنگ‌های کوچکتر داخلی بود. تحقیقات دوم بیشتر بر روی مرگ و دفن و سوزاندن اجسام متمرکز بود. تحقیقات نشان داد که مردان، زنان و کودکان از دهه ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ قبل از میلاد همه در این مکان دفن شده اند.

چه کسی استون هنج را ساخت؟

جفری مانموث در کتاب خودش که درباره شاه آرتور و روایت‌هایی از تاریخ انگلیس است گفته که استون هنج توسط جادوگر عظیم مرلین ساخته شده. این داستان تا اواسط قرن پنجم ادامه دارد و در اواسط این قرن، صدها نجیب زاده انگلیسی توسط ساکسون‌ها سر بریده می‌شوند و در دشت‌های سالزبری دفن می‌شوند.

پادشاه اورنولس امبروسیاس برای اینکه یک یادبود مناسبی برای آن‌ها برپا کند، ارتشی را به سمت ایرلند فرستاد تا یک دایره سنگی به نام حلقه غول‌ها را بازیابی کنند. سربازان توانستند ایرلندی‌ها را شکست دهند؛ اما نتوانستند که این سنگ‌های عظیم الجثه را تکان دهند. ولی مرلین با استفاده از قدرتی که داشت توانست آن سنگ‌ها را جا به جا کند. بسیاری از مردم دیگر به داستان جفری ایمان آورده بودند و فکر می‌کردند که واقعا این اثر توسط مرلین ساخته شده و این در حالی بود که این بنای تاریخی چندین هزار سال قبل از مرلین ساخته شده بود. فرضیه‌های دیگری هم وجود دارد که ساخت این بنا را به ساکسون ها، رومی ها، دانمارکی ها، یونانی‌ها و مصری‌ها نسبت می‌دهند. تئوری دیگری هم وجود دارد که گفته می‌شود استون هنج توسط اهالی سلطیک ساخته شده.

اکنون اکثر باستان شناسان به این عقیده رسیدند که فقط یک قوم خاص در ساخت استون هنج دست نداشته، بلکه چندین قوم با هم این اثر ماندگار را ساختند. استخوان‌ها و ابزارهایی هم که در اکتشافات مختلف پیدا شده هم به واقعیت پیوستن این تئوری کمک می‌کند.

هدف از ساخت استون هنج چه بوده؟

بسیاری از معماران معتقدند که استون هنج زیاد مورد توجه نبوده و فقط یک بنایی بوده که ساخته شده؛ ولی باستان شناسان اینگونه فکر نمی‌کنند. آن‌ها معتقدند که این مکان بیش از هزار سال برای مردمان انگلیس قابل اهمیت بوده و حتما دلیلی وجود داشته که آن‌ها را به دست سالزبری کشانده تا این بنای عظیم باستانی را بسازند؛ آن هم در آن زمانی که امکانات مدرن وجود نداشت. شواهد باستان نمایان گر این است که این مکان برای حداقل مدت زمانی طولانی، محل دفن اجساد بوده؛ اما محققان معتقدند که استون هنج برای کارهایی غیر از دفن اجساد هم استفاده می‌شده. برای کارهایی مثل مراسمات تشریفاتی، مراسمات مذهبی، یادبودی برای یک فرد مهم و یا مراسماتی مانند ارتباط معنوی با اجداد و خدایان و …